

تدوین الگوی اسلامی - ایرانی مهارت آموزی

در مدارس متوسطه کشور

عباس عباسپور **

حسن ملکی ***

شهریار مرادی دهقی *

حمید رحیمیان ***

محبوبه خسروی ****

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۰۲

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی الگوی اسلامی - ایرانی مهارت آموزی در مدارس متوسطه کشور با استفاده از رویکرد پارادایمی اشتراوس و کوربین (۱۳۹۳) برای نظریه داده بنیاد و به روش کیفی انجام شد. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه صاحب نظران، کارشناسان و مدیرانی بود که در یکی از عرصه های مهارت آموزی رسمی (آموزش و پرورش) و غیررسمی (سازمان فنی و حرفه ای کشور) تجربه و حضور داشتند. با توجه به رویکرد پژوهش، تمرکز اصلی بر خیرگان آشنا با مسائل مهارت آموزی در مدارس متوسطه کشور بود که در نهایت ۱۷ نفر از ایشان به صورت هدف مند و براساس راهبرد گلوله برفی برای انجام مصاحبه های عمیق بدون ساختار انتخاب شدند. تحلیل داده ها به طور هم زمان با استفاده از روش کدگذاری باز، انتخابی و نظری انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد: "مهارت ها و شایستگی های پایه و غیرفنی دانش آموزان، مهارت های فنی و شغلی دانش آموزان، تربیت حرفه ای مبتنی بر مهارت و شایستگی، تقویت ارزش های اسلامی و ایرانی کار، انعطاف پذیری در برابر تغییر و تخصص گرایی در آموزش و پرورش" به عنوان کانونی یا مقوله محوری مطرح شده اند. "مقوله های کیفیت آموزش و تدریس و یادگیری، توجه به شایسته سالاری و شایسته گزینی، رویکرد و راهبرد در مهارت آموزی، وجود معلمان ماهر و کارآمد، تخصص گرایی، آینده پژوهی و آینده نگری و کیفیت آموزش و تدریس" به عنوان عللی تلقی می شوند که نقش فعال در مهارت آموزی داشته و تا این عوامل مهیا نشوند، مهارت آموزی شکل نمی گیرد. مهم ترین راهبردهای اتخاذ شده در این پژوهش عبارتند از: "فرهنگ سازی، تحول در برنامه درسی، تحول در محیط های یادگیری، تحول در روش های سنجش و ارزشیابی، تحول در کتاب ها و محتوای درسی، بهداشت و ایمنی کار، زیرساخت ها و تجهیزات، همکاری و ارتباطات بین المللی آموزشی و پژوهشی، نیازسنجی و تأمین منابع مالی". شرایط بستر در پژوهش کنونی مقوله های "توجه به فرهنگ و شرایط اجتماعی، ساختار سازمانی، انگیزه حمایت از تغییر و مدیریت عملکرد تغییرمدار" هستند. مقوله های "محدودیت ها و مشکلات قانونی، عدم باور و

تعهد به مهارت‌آموزی و مشکلات آموزش‌های مهارت‌آموزی " به‌عنوان شرایط مداخله‌گر الگوی پارادایمی مورد توجه قرار گرفته‌اند. پیامد پژوهش حاضر پیشرفت و اشتغال‌زایی است. **کلیدواژه‌ها:** مهارت؛ مهارت‌آموزی؛ اشتغال؛ الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ نظریه داده‌بنیاد

* دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی sh.moradi48@gmail.com

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی

abbaspour1386@gmail.com

*** دانشیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی hamrahimian@yahoo.com

**** استاد گروه برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی malaki_cu@yahoo.com

***** استادیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی

khosravi12m@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

باعنایت به اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های اصلی پیشرفت و توسعه پایدار نظام اسلامی، اهتمام جدی به رشد و تعالی انسان‌ها به‌منظور دستیابی به حیات طیبه است. این مهم نمایانگر مسئولیت خطیر سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران امر تعلیم و تربیت جامعه اسلامی است. با توجه به ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت مندرج در سند تحول بنیادین (شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه)، توجه به ساحت اقتصادی و حرفه‌ای که نقش مهمی در ساختار هویتی هر انسانی دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است.

از این رو، لازم است با نگرش جامع به این موضوع نگریست و همه ابعاد تعیین‌کننده آن را مورد بررسی قرار داد. یکی از ارکان مهم این مبحث، موضوع مهارت‌آموزی است. در این راستا، در سند تحول بنیادین یکی از راهکارها برای این مورد، گسترش و تنوع‌دادن به حرف و مهارت‌های موردنیاز جامعه و تعلیم متناسب و برنامه‌ریزی‌شده آن در همه دوره‌های تحصیلی و برای همه دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته است.

در نقشه جامع علمی کشور (۱۳۸۹) که به‌عنوان نقشه راه توسعه علم و فناوری محسوب می‌شود، به مهارت‌آموزی اهمیت ویژه‌ای داده شده است که به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین این سند به‌شمار می‌آید. همچنین موضوع تلفیق آموزش و پرورش و مهارت به‌عنوان ویژگی اصلی الگوی نظام علم و فناوری کشور در این سند مطرح شده است. ضمناً مطابق با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آموزش و پرورش باید در جهت پرورش تربیت‌یافتگانی عمل کند که دین اسلام را حق می‌دانند و آن را به‌عنوان نظام معیار می‌شناسند و به آن باور دارند و آگاهانه، آزادانه، شجاعانه و فداکارانه برای تکوین و تعالی اخلاقی خود و دستیابی به مرتبه‌ای از حیات طیبه و استقرار حکومت عدل جهانی مهدوی (عج) از آن تبعیت می‌نمایند و به رعایت احکام و مناسک دین و موازین اخلاقی مقید هستند. دانش‌آموزانی که با فراگیری مهارت‌های اساسی، از دانش‌های پایه و عمومی سازگار با نظام معیار اسلامی، توان تفکر، درک و کشف پدیده‌ها و رویدادها

به‌عنوان آیات الهی و تجلی فاعلیت خداوند در خلقت و نیز دانش، بینش و مهارت‌ها و روحیه مواجهه علمی و خلاق با مسائل فردی و خانوادگی و اجتماعی برخوردارند (سند تحول آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

چشم‌انداز آموزش و پرورش در آینده، دورنمای نظام بسیار پیچیده‌ای است که در نگاه اول برون‌دادهای نهایی غیرقابل‌پیش‌بینی و غیرقابل‌تصور دارد، ولی آینده آموزش و پرورش براساس عملکرد گذشته آن پیش‌بینی می‌شود، به‌عبارت‌دیگر، موقعیت‌های جدید، حاصل پویایی و تحرک در موقعیت‌های گذشته است (گودمان و همکاران، ۲۰۱۰). برای آماده‌کردن نسل حاضر برای زندگی در آینده، آموزش و پرورش باید با شناخت روح زمانه و نیازهای نشئت‌گرفته از آن، پاسخگوی تقاضاهای مبتنی بر شرایط جدید باشد و خود را با آن منطبق سازد. با انباشت مسائل جهانی و ملی و به‌طور دائم پویا و تغییرپذیر، آموزش و پرورش ناگزیر است با تدوین راهبردهای منطقی و واقع‌بینانه، خود را با حرکت نسل امروز هماهنگ کند و با مسائل حل‌نشده و اضطراب‌ها و بحران‌های ناشی از آن همچون هویت، اشتغال و کنکور روبه‌رو شود. از این‌رو، اقدام به تحولات اساسی در آموزش و پرورش به‌عنوان زیربنای توسعه و بر پایه نیازهای امروز و تجربه‌های جهانی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (مازرولی و همکاران، ۲۰۱۲).

از طرف دیگر، در جامعه ما بحث بیکاری فارغ‌التحصیلان به‌عنوان معضل مهم کشور مطرح است (زعفرانیان، ۱۳۸۹؛ زرافشانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۹۵) و در این عرصه چاره‌ای جز تغییر در نگرش، فرایند مهارت‌افزایی و چگونگی کاربرد محتوای آموزش نداریم. این در صورتی است که از سوی دیگر، افزایش جمعیت، افزایش شمار دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، ضعف در تدوین و اجرای درست برنامه‌های توسعه اقتصادی، نبود برنامه‌های فراگیر و همه‌سونگر برای پرورش نیروی انسانی متخصص و مواردی از این‌دست از مهم‌ترین عواملی است که امروزه به مشکلی با عنوان «اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی» تبدیل شده است. بیکاری از پیچیده‌ترین مشکلاتی است که در زمان حاضر وجود دارد و علی‌رغم توجه مسئولان برای ایجاد کار در ایران همواره با انبوهی از دانش‌آموختگان جویای کار روبه‌روست (زعفرانیان، ۱۳۸۹)؛ دانش‌آموختگانی که با هزینه‌ای هنگفت و چندین سال صرف وقت، تخصص‌هایی کسب کرده‌اند. از آنجا که این امر، مشکلی اجتماعی و اقتصادی است و ممکن است

در آینده به یک «بحران» تبدیل شود، برای برطرف کردن آن به برنامه‌ریزی درست و هماهنگی نیازمندیم.

افزایش نرخ بیکاری میان جوانان تحصیل کرده در نگاه اول به معنای این است که آنها فاقد مهارت‌های لازم جهت اشتغال هستند، در صورتی که علل و عوامل این معضل اجتماعی، متعدد و درهم‌تنیده است. از جمله این عوامل می‌توان به عوامل فردی مؤثر در بیکاری اشاره کرد که صاحب‌نظران بر اهمیت مهارت‌های اساسی و مرتبط به کار جهت پاسخ به نیازهای شغلی تأکید می‌ورزند. از این زاویه، نظام آموزشی نه تنها در شکل‌گیری سرمایه انسانی افراد سهیم است، بلکه افراد ماهری را پرورش می‌دهد که باید در یک جامعه پرفرازونشیب و مخاطره‌آمیز مسئولیت‌پذیر باشند. در این ارتباط ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که نقش نظام آموزشی یک جامعه جهت مقابله با معضل بیکاری تنها در محافظت از جوانان خلاصه نمی‌شود. بلکه معطوف به آینده شغلی آنها نیز می‌شود (برومل و بیچ، ۲۰۰۸).

صاحب‌نظران به بیکاری به عنوان یکی از عوامل هدررفت توانایی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی توجه می‌کنند. یکی از شکایت‌هایی که همواره از بیکاری جوانان می‌شود، در مقیاسی وسیع، انعکاس خطاهای نظام آموزشی در این ارتباط است؛ نهادهای آموزشی مهارت‌های اساسی را آموزش نمی‌دهند و جوانان را برای بازار کار آماده نمی‌سازند. به طوری که بنا به نظر راسانوسکی و دیگران^۲ (۲۰۱۴)، در چند سال گذشته دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی ارائه شده در مراکز آموزشی با نیازهای شغلی، بی‌ارتباط و نسبت به تغییرات و مسائل اقتصادی بی‌توجه بوده‌اند. از نظر آنان کیفیت بسیار پایین دانش و مهارت نیروهای جوان و نرخ بیکاری با نامناسب بودن آموزش‌های ارائه شده، مرتبط است. محققان دیگر همانند شکلتن (۲۰۰۳) و باینر (۲۰۰۹) نیز بیان داشته‌اند که فقدان مهارت‌های لازم در افراد، به عنوان یکی از عوامل مداخله‌گر در مشکلات بازار کار، مسائلی را در جریان انتقال فارغ‌التحصیلان از محیط آموزشی به محیط کار به وجود می‌آورد که در نهایت به محدود شدن افراد غیرماهر به مشاغل و موقعیت‌های شغلی ناپایدار منجر می‌شود. این ناپایداری و موقعیت مسئله‌آفرین بازار کار با چندین عامل دیگر، مثل تغییرات سریع شیوه‌های صنعتی و فناورانه، بحران‌های اقتصادی، تغییرات عمده در شرایط کار، افزایش حضور

1 - Brumels, K., Beach, A.

2 - Rusanovskiy, V., Blinova, T. & Bylina, S.

بانوان در فعالیت‌های خارج از خانه و عواملی از این قبیل، تشدید می‌شود (محمدی، ۱۳۹۴). تغییرات اقتصادی از طرق مختلف بر ماهیت مهارت‌هایی که باید به وسیله نظام آموزشی به جوانان جامعه آموخته شود، تأثیر گذاشته است. با مقایسه مراحل مختلف توسعه یافتگی در جوامع توسعه یافته و ماهیت مهارت‌ها و قابلیت‌های مورد نیاز هر مرحله، می‌توان به دو معنا و شکل مختلف از مهارت‌ها اشاره کرد: مهارت‌های کهنه و قدیم و مهارت‌های نو. بدیهی است که تغییرات سریع اقتصادی و صنعتی، مؤسسات و نهادهای آموزشی را و خواهد داشت تا در جهت آموزش اشکال جدید مهارت‌ها، توانایی‌ها و گرایش‌های متناسب با نیازهای متغیر بازار کار تلاش کنند (مازرولی و همکاران، ۲۰۱۳). به نظر می‌رسد که تغییرات اقتصادی، سیاست‌گذاران آموزشی را در جهت تجدید ساختار نظام آموزشی به منزله راهی برای بهبود استانداردهای آموزشی تشویق خواهد کرد. بنابراین، ممکن است تشریح تفاوت‌های موجود بین مهارت‌های قدیم و جدید، در ایجاد تغییرات آموزشی لازم به سیاست‌گذاران کمک کند (عزیزی، ۱۳۸۵).

اگرچه معمولاً عموم مردم، نقش اصلی آموزش و پرورش را آموزش خواندن و نوشتن می‌دانند، ولی اهداف متعالی دیگری، بسیار مهم‌تر از سواد خواندن و نوشتن در آموزش و پرورش ایران منظور شده که یکی از آنها توسعه علوم و فنون و مهارت‌های مورد نیاز افراد جامعه است. لیکن امروزه شواهد بسیاری، عدم دستیابی به این خواسته را تأیید می‌نمایند. در حالی که یکی از کارکردهای مهم نظام آموزش و پرورش کشور، آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی فرداست و تنها نباید به بعد آموزشی در مدارس کشور پرداخته شود. متأسفانه نظام آموزش و پرورش ما نمره خوبی را در زمینه آماده‌سازی دانش‌آموزان برای مقابله با سختی‌های زندگی کسب نمی‌کند و کم‌تر توانسته است استعداد‌های دانش‌آموزان را شکوفا نماید و بیشتر استعداد‌های دانش‌آموزان سرکوب شده است. دانش‌آموزان بعدها متوجه می‌شوند سختی‌چندانی بین تحصیلات متوسطه با بازار کار و تقاضای مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی وجود ندارد.

براساس آمار، بیش از ۳۲ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر ۳۰ سال قرار دارند و بخشی از این جمعیت بالقوه جزو نیروی فعال کار محسوب می‌شود که به دلیل سیاست‌گذاری نادرست نقشی در صنعت و فعالیت‌های اقتصادی ندارند (زند کریمی، ۱۳۹۵). لطف‌آبادی (۱۳۸۵) معتقد است: "آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی و مهارت‌های شهروندی^۱

کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرون حاضر آماده کند. برای این منظور، نگرش آموزش و پرورش به برنامه‌های درسی و فعالیت‌های کلاس و مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون‌بر آموزش‌های درسی، تحکیم هویت و نظام ارزشی انسانی و دینی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی و علمی و فرهنگی را محور برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار دهد."

در نقشه جامع علمی کشور (۱۳۸۹) که به‌عنوان نقشه راه توسعه علم و فناوری محسوب می‌شود، به مهارت‌آموزی اهمیت ویژه‌ای داده شده است و به‌عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین این سند به‌شمار می‌آید. همچنین موضوع تلفیق آموزش و پرورش و مهارت به‌عنوان ویژگی اصلی الگوی نظام علم و فناوری کشور در این سند مطرح شده است. در ترسیم دورنمای علم و فناوری، افزایش توانایی کشور در تولید و توسعه علم و همچنین پیشرو و پیشناز بودن در مرزهای دانش و فناوری هدف‌گذاری شده است که آموزش‌های مهارتی و شغلی را به‌ویژه در زمینه توسعه علم، الزام‌آور می‌نماید. از اهداف بخشی این سند می‌توان به کسب آمادگی دانش‌آموزان برای ورود به زندگی مستقل و همچنین دستیابی به سطح دانش و مهارت نیروی کار اشاره نمود. این ماده قانونی، دستگاه‌های وزارت آموزش و پرورش، وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی و سایر سازمان‌های مربوطه را ملزم می‌نماید در این خصوص، اقدامات مؤثری را انجام دهند.

دانش‌آموزان امروز در مقایسه با نسل قبل تفاوت‌های زیادی دارند. آنها به‌گونه‌ای متفاوت از گذشته یاد می‌گیرند و به‌طور متفاوتی در آنها انگیزش ایجاد می‌شود. بنابراین، با توجه به تغییرات نسل جدید، لازم است که از الگوها و فرضیات جدید درباره نحوه تدریس و یادگیری استفاده کنیم. فضای یادگیری آینده، چگونگی اداره آن برای یادگیری، انتخاب شیوه‌های ارتباطی و ابزارهای یادگیری مواردی است که در الگوی مهارت‌آموزی و یادگیری دانش‌آموزان همواره باید رعایت شود (ویت و اورویس^۱، ۲۰۱۰).

مرکز آمار ایران میزان بیکاری جوانان را ۲۱/۸ درصد اعلام کرده که تقریباً دو برابر نرخ متوسط بیکاری در ایران است. به گزارش بانک مرکزی ایران، در سال ۱۳۸۹، ۲۲/۵ درصد از خانواده‌های ایران بدون فرد شاغل، ۵۵/۴ درصد دارای ۱ فرد شاغل، ۲/۱۷ درصد دو فرد شاغل و

۴/۹ درصد دارای ۲ و بیشتر فرد شاغل بوده‌اند. در عین حال، در سال ۱۳۹۰، ۸۰۰،۰۰۰ فرصت شغلی از دست رفته که معادل ۱۸ میلیارد دلار تولید بوده است. همچنین در سال ۱۳۹۳ خانواده‌های بدون فرد شاغل به ۲۴٪ رسید که از این میان، ۵۷ درصد یک نفر شاغل، ۱۵/۵٪ دو نفر شاغل و ۳/۵ دارای سه نفر شاغل و بیشتر بوده‌اند. بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۵ که توسط مرکز آمار ایران منتشر شد، نرخ بیکاری در سال جاری با افزایش ۱/۴ درصدی، ۴/۱۳ درصد اعلام شد. همچنین ۴۲ درصد فارغ‌التحصیلان ایران بیکار هستند. مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را در سال ۱۳۹۵، ۱۸/۵ درصد اعلام کرد و بیان داشت که حدود یک میلیون نفر از تحصیل کرده‌های فوق‌دیپلم به بالا بیکارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بنابراین، در جامعه ما بحث بیکاری فارغ‌التحصیلان به عنوان معضل مهم کشور مطرح است (زعفرانیان، ۱۳۸۹). تاجایی که مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۵ را سال اقتصاد مقاومتی و تولید و اشتغال نامیدند و رئیس‌جمهور هم در خردادماه ۱۳۹۵، از بیکاری به عنوان یکی از معضلات فعلی کشور نام بردند. بنا به گفته اکثر متخصصان، یکی از دلایل بیکاری دانش‌آموختگان، فاقد توانایی‌های فردی^۱ و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکار مناسب است (زند کریمی، ۱۳۹۵). این امر، آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان را به وسیله توسعه مهارت‌های شغلی^۲ در آنان مسلم می‌سازد. از این رو، مراکز آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها می‌باید با ارائه برنامه‌های مناسب برای تربیت نیروهای متخصص و ماهر^۳ و گسترش فعالیت‌های نوآورانه اجتماعی و اقتصادی، پرورش و آماده‌ساختن نیروی انسانی کارآمد، شایسته و ماهر به منظور پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه در زمینه‌های گوناگون، نقش اساسی ایفا نمایند. مسئله دیگری که باید به آن اشاره کرد، تغییر نیازهای کشور به سمت جذب نیروهای تحصیل کرده، ماهر و متخصص است. برای استفاده از فرصت‌های جدید در عرصه جهانی و پاسخگویی به نیازهای فعلی جامعه در ارتباط با نیروی انسانی متخصص، می‌باید در راستای تغییر الگوهای آموزشی، پژوهشی و مهارت‌ها و توانایی‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، اقدام نمود (یعقوبی، ۱۳۸۷). بنابراین، امروز پرداختن به مسئله مهارت‌آموزی مدارس و دانش‌آموزان (که از مهم‌ترین راهکارها برای کاهش بیکاری به‌شمار می‌رود) از اوجب واجبات و از مهم‌ترین مسائل اجتماعی و فرهنگی است.

-
- 1 - Individual abilities
 - 2 - Develop job skills
 - 3 - Experts and skilled

مرور ادبیات نظری و تجربی پژوهش، این نتیجه را دربر داشت که گرچه در زمینه مهارت‌آموزی هم در داخل کشور و هم در دنیا، مطالعات و پژوهش‌های فراوانی انجام شده است، اما با بررسی‌های به‌عمل‌آمده از زمان تدوین و ابلاغ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با وجود تأکیدات فراوان درخصوص موضوع مهم و محوری اشتغال و ایجاد توانمندی‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای در دانش‌آموزان، پژوهش‌های مشخصی یافت نشد و برای این سؤال که: «چه الگوها و روش‌هایی برای تحقق این هدف وجود دارد؟ و یا درحال شکل‌گیری است؟» پاسخ مشخصی به‌دست نیامد. همچنین در ارتباط با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، پژوهش‌های بنیادی خوبی انجام شده است و حتی مرکزی به همین نام (مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت) در تهران وجود دارد، اما با وجود ۲۸ اندیشکده در مرکز مذکور نه‌تنها اندیشکده‌ای تخصصی با مأموریت فوق (مهارت‌آموزی جامعه تحت‌تعلیم در مدارس جمهوری اسلامی ایران) وجود ندارد، حتی یک‌چنین مأموریتی و یا مشابه آن به هیچ‌یک از اندیشکده‌های موجود نیز سپرده نشده است و بالطبع پژوهشی نیز در این خصوص صورت نپذیرفته است. از آنجاکه محقق برآن است؛ مهارت‌آموزی^۱ را ذیل الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ساختارمند نموده تا الگویی بومی با شاکله‌های ایرانی اسلامی ارائه دهد، از این منظر، کار مستقلی را نیافته و به‌لحاظ احساس ضرورت و فقدان تجربیات اثربخش در این زمینه، مبادرت به پژوهش نموده است.

اگرچه در سه دهه گذشته تلاش‌های وافر و قابل‌تقدیری از طرف مسئولان و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور به‌عمل آمده است، لیکن هنوز آموزش و پرورش با چالش‌های جدی روبه‌روست و برون‌داد آن در طراز جمهوری اسلامی ایران و پاسخگویی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نیست (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۲). همچنین باتوجه‌به اینکه از مهم‌ترین اهداف عملیاتی و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۲) این است که فارغ‌التحصیلان دارای حداقل یک مهارت مفید برای تأمین معاش حلال باشند، به‌گونه‌ای که در صورت جدایی از نظام تعلیم و تربیت رسمی در هر مرحله، توانایی تأمین زندگی خود و اداره خانواده را داشته باشند. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش این است که الگوی اسلامی - ایرانی مهارت‌آموزی در مدارس متوسطه کشور چگونه است؟

بنابراین، پرداختن بیشتر به این مسئله و بررسی و واکاوی آن، ضرورتی ناگزیر است؛ چراکه تا

روشن نشود که ابعاد و مؤلفه‌های مهارت‌آموزی کدامند، نمی‌توانند در راستای اجرای موفق مهارت‌آموزی تلاش کنند. به‌رغم اهمیتی که این مسئله دارد، تاکنون هیچ پژوهشی در ایران در خصوص آن صورت نگرفته است و تحقیق حاضر با تدوین الگوی مهارت‌آموزی بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌تواند به روشن شدن این مسئله کمک کند. نتایج این پژوهش برای کلیه سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران حوزه تعلیم و تربیت، سازمان آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و کلیه پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت، مفید و مثمر خواهد بود.

اهداف پژوهش

هدف از انجام این مطالعه کیفی، ارائه الگوی اسلامی - ایرانی مهارت‌آموزی در مدارس متوسطه با بهره‌گیری از تجارب زیسته صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران بخش‌های رسمی (آموزش و پرورش) و غیررسمی (مانند سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای) است که در چارچوب اهداف فرعی زیر بررسی شده است:

۱. شناسایی مقوله اصلی^۱ مهارت‌آموزی مدارس متوسطه کشور؛
۲. شناسایی شرایط علی^۲ مهارت‌آموزی مدارس متوسطه کشور؛
۳. شناسایی راهبردهای^۳ مهارت‌آموزی مدارس متوسطه کشور؛
۴. شناسایی شرایط زمینه‌ای^۴ مهارت‌آموزی مدارس متوسطه کشور؛
۵. شناسایی شرایط مداخله‌گر^۵ مهارت‌آموزی مدارس متوسطه کشور؛
۶. شناسایی پیامدهای^۶ مهارت‌آموزی مدارس متوسطه کشور.

1 - Core category
 2 - Causal conditions
 3 - Strategy
 4 - Context
 5 - Environment
 6 - Consequences

مبانی نظری

مهارت^۱: مهارت در فرهنگ دهخدا به معنای زیرکی و رسایی در کار و استادی و زبردستی آمده است. مهارت قابلیت یادگیری است یا به زبانی دیگر، استعداد انجام دادن یا پیش‌بینی نتایج با حداقل صرف زمان و انرژی است. مهارت، حداقل هماهنگی بین ذهن و جسم برای رسیدن به یک توانمندی یا شایستگی است که معمولاً به مهارت‌های عملی ارجاع می‌شود (فلاحی، ۱۳۹۰).

مهارت شغلی^۲: آنچه در این پژوهش بیشتر مدنظر است، همین جلوه از مهارت است؛ یعنی توانایی اکتسابی و تمرین‌شده برای انجام ماهرانه وظیفه یا شغل که معمولاً ماهیتی یدی دارد. مهارت، توانایی انجام کارهای مربوط به یک شغل در سطح حرفه‌ای متناسب با استانداردهای هر شغل است. مهارت، همان کاربرد دانش است که اغلب وابسته به متغیرهای زیادی است (زارعی، ۱۳۸۹).

مهارت، قابلیت است که با اطمینان معین و صرف حداقل انرژی یا زمان کاری به نتیجه برسد. ماهر، فردی است که مهارت را با اطمینان نسبی و با صرف حداقل انرژی اجرا نماید. مهارت‌ها اغلب به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) مهارت‌های حوزه عمومی؛ ب) مهارت‌های حوزه تخصصی. برای مثال در حوزه کاری، بعضی از مهارت‌های عمومی می‌توانند شامل مدیریت زمان، کار گروهی، رهبری، خودجوشی، خود انگیزشی و... باشند. درحالی‌که مهارت‌های حوزه تخصصی می‌توانند فقط برای بعضی از مشاغل به کار روند و بیشتر شامل مهارت‌های فنی و حرفه‌ای می‌شوند (مازرولی، ۲۰۱۵).

در کتاب "مهارت‌های قرن ۲۱ برای دانش‌آموزان و معلمان" (توماس^۳، ۲۰۱۵)، انواع مهارت‌های لازم برای دانش‌آموزان قید شده است. مطابق با نظر نویسندگان و صاحب‌نظران، الگوهای سنتی آموزش بر مفاهیمی مانند حوزه‌های موضوعی مانند ریاضیات، علوم، هنرهای زبانی و مطالعات اجتماعی تأکید دارند.

ارجمندنیا و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان "فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه آداب و مهارت‌های زندگی در ایران" بیان داشته است که به‌طور کلی گرایش بیش‌ازحد به

1 - Skill

2 - Job Skills

3 - Thomas L. Good

پژوهش‌های کمی، تأکید بیش‌ازحد بر استفاده از پرسشنامه و عدم استفاده مناسب از مصاحبه و مشاهده، عدم مشاهده یک مطالعه دقیق تطبیقی در این حوزه، گرایش بیش‌ازحد بر مهارت‌های زندگی موردنظر در فرهنگ غرب و کم‌اعتنایی به مهارت‌های شغلی متناسب با فرهنگ ایرانی - اسلامی، استفاده هم‌زمان از فرضیه و سؤال در بسیاری از پژوهش‌ها، عدم دقت در روش‌های دقیق نمونه‌گیری و بسنده کردن به کم‌ترین نمونه‌های موردنیاز، تکه‌تکه کردن مهارت‌های زندگی و عدم توجه هم‌زمان به مجموعه مهارت‌ها در مطالعات ازجمله نقایص روش‌شناختی و محتوایی پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مهارت‌هاست (عابدی جعفری و بنافی، ۱۳۹۴).

فیاض و کریمی (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان "بررسی مهارت‌های اساسی در سیره معصومان" به معرفی الگوی مناسبی از مهارت‌ها، متأثر از سیره ائمه معصومین (ع) پرداخته است. وی معتقد است فراگیری روابط بین فردی صحیح، اهمیتی بسزا در ایجاد سلامت روانی، رشد شخصیت، هویت‌یابی، افزایش بهره‌وری شغلی، افزایش کیفیت زندگی، افزایش سازگاری و خودشکوفایی استعداد و خلاقیت کاری دارد.

مطابق با برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰) حوزه‌های مختلفی در زمینه تعلیم و تربیت وجود دارند که حوزه تربیت و یادگیری کار و فناوری در این پژوهش مدنظر هستند. حوزه کار و فناوری شامل کسب مهارت‌های عملی برای زندگی کارآمد و بهره‌ور و کسب شایستگی‌های مرتبط با فناوری و علوم وابسته، به‌ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهت تربیت فناورانه و زندگی سالم در فضای مجازی و نیز آمادگی ورود به حرفه و شغل در بخش‌های مختلف اقتصادی و زندگی اجتماعی است. قلمرو این حوزه شامل چهار دسته شایستگی است:

۱. شایستگی‌های محوری غیرفنی دنیای کار؛
 ۲. شایستگی‌های پایه فنی موردنیاز نیروی کار حرف و مشاغل گوناگون؛
 ۳. شایستگی‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات؛
 ۴. شایستگی‌های مربوط به یادگیری مادام‌العمر فنی و حرفه‌ای (گودرزی و سالاری، ۱۳۸۹).
- همچنین زمینه‌های مختلف مهارت نیز وجود دارد که شامل مهارت‌های زندگی، مهارت‌های ارتباطی و... می‌شود که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد:

مهارت‌های یادگیری، مهارت‌های نوآوری، مهارت‌های زندگی و شغلی و مهارت‌های فناورانه، رسانه و اطلاعات، مهارت‌هایی هستند که در "مهارت‌های قرن ۲۱ ام برای دانش‌آموزان و معلمان"

ذکر شده است.

مهارت‌های شخصی و یادگیری، مهارت‌های سواد و توان محاسباتی، مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله، فناوری اطلاعات و توانایی کار گروهی و همچنین مهارت‌های شغلی نیز در "برنامه درسی برای تعالی، ساخت برنامه درسی، مهارت‌هایی برای یادگیری، مهارت‌های زندگی و مهارت‌های کار" قید شده است.

در مقاله "مهارت‌های قرن ۲۱ ام"، (ویت و اورویس، ۲۰۱۰) به مهارت‌های ارتباطی و شغلی اشاره شده است که شامل: تفکر تحلیلی و خلاقانه، ارتباطات شفاهی و کتبی، رهبری و کار گروهی، سواد کمی و دیجیتال، نگرش جهانی، سازگاری، ابتکار و ریسک‌پذیری، تصمیم‌گیری اخلاقی، مهارت فنی، مهارت کار، مهارت فناوری و... ذکر شده است.

لازار^۱ (۲۰۰۵) در مقاله خود با عنوان "خواندن و نوشتن برای سواد مدنی: راهنمای اساسی شهروندان برای بلاغت استدلالی" نیاز دانش‌آموزان را برای تقویت مهارت‌های خواندن، نوشتن، تفکر و کار برای مشارکت در جامعه مدنی مورد تأکید قرار داده است و برنامه‌های درسی و تمرین‌های کلاسی برای معلمان تدارک دیده است که برای فهم مواضع ایدئولوژیک، الگوهای بلاغی و اشتغال کارساز است.

در کتاب "برنامه درسی برای تعالی، ساخت برنامه درسی، چهار مهارت برای یادگیری، مهارت‌های زندگی و مهارت‌های کار" یک بازه گسترده برای مهارت‌ها در اسکاتلند معرفی نموده است و این دسته‌بندی به صورت مهارت‌های فردی و یادگیری که افراد را قادر می‌سازد تا یادگیرندگان مؤثری در زندگی باشند، سواد و حساب که شامل مهارت‌های پنج‌گانه ارتباطات، حساب، حل مسئله، فناوری اطلاعات و همکاری با دیگران می‌شود و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای که به مهارت‌های شغلی مربوط می‌شود، می‌باشد (گودرزی و سالاری، ۱۳۸۹).

ویت و اورویس (۲۰۱۰)، در پژوهش خود با عنوان "راهنمایی برای مدرسه آینده" یک دسته‌بندی از مهارت‌ها را به صورت: تفکر تحلیلی و تفکر خلاق و حل مسئله، ارتباطات شفاهی و مکتوب پیچیده، رهبری و کار گروهی، سواد دیجیتال و کمی، دیدگاه جهانی، سازگاری، ابتکار و ریسک‌پذیری، تصمیم‌گیری اخلاقی، مهارت فنی و شغلی عنوان نموده است.

باتوجه به موارد ذکر شده در پیشینه پژوهش و باتوجه به نقش مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان

در رشد و ارتقای آنان، توجه به مهارت‌آموزی در مدارس کشور بیش‌ازپیش باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، در این پژوهش، محقق در نظر دارد، به تدوین و تبیین الگوی ایرانی - اسلامی مهارت‌آموزی با توجه به مهارت‌های شغلی بپردازد. با توجه به این موضوع که ارزش‌ها و باورهای دینی، غرایز بشر را در جهت صحیح هدایت کرده و خواسته‌ها و تمایلات او را اصلاح کرده و انسان‌هایی برای جامعه تربیت می‌نماید که قادر به بالندگی کشورشان باشند، تربیت دینی به‌عنوان راهی برای شکوفا کردن قوای انسان به‌طور متعادل، هماهنگ و در چارچوب ارزش‌های الهی به حساب می‌آید (نصیری و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین، لزوم توجه به ارزش‌های دینی و پیش‌زمینه دینی و اسلامی در این الگو امری انکارناپذیر است.

در سند تحول بنیادین مقرر شده است نظام و زیرنظام‌های تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران به تدریج براساس راهکارهای پیش‌بینی شده در سند تغییر یابد. یکی از این زیرنظام‌ها برنامه‌ی درسی است. در این سند تأکید شده است در طراحی و تدوین راهنما و اصل برنامه درسی، موضوع شایستگی محوری، کانون تمرکز قرار گیرد. در مبانی نظری سند تحول بنیادین، شایستگی‌ها مجموعه‌ای ترکیبی از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی و جمعی ناظر به همه جنبه‌های هویت (فردی و جمعی) تعریف شده است که یادگیرندگان در جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل فردی و جمعی برای بهبود مستمر آن براساس نظام اسلامی، باید آنها را کسب کنند. در این سند آمده است: "سازماندهی محتوای برنامه‌ی درسی باید با تکابر رویکرد تلفیقی مسئله‌محور و تأکید بر مفاهیم، مهارت‌ها و ایده‌های اساسی در هریک از ساحت‌های تربیت: (۱) ساحت تربیت اعتقادی، مبادی و اخلاقی؛ ۲. ساحت اجتماعی و سیاسی؛ ۳. ساحت زیستی و بدنی؛ ۴. ساحت زیبایی‌شناختی و هنری؛ ۵. ساحت اقتصادی و حرفه‌ای و ۶. ساحت علمی و فناوری) صورت گیرد تا فرصت تجربیات دست اول برای کسب شایستگی‌ها جهت درک و اصلاح مداوم موقعیت از سوی یادگیرندگان براساس نظام معیار اسلامی را فراهم کنند (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش).

در پژوهش حاضر، به بررسی مهارت‌های شغلی به‌عنوان مهارت‌های عمومی دانش‌آموزان و مهارت‌های فنی و تکنیکی به‌عنوان مهارت‌های تخصصی برای ورود به بازار کار پرداخته شده و مؤلفه‌های اصلی مهارت‌آموزی در مدارس متوسطه کشور بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پس از آن به معرفی الگویی برای آموزش این مهارت‌ها اقدام خواهد شد. لازم به ذکر است که آموزش و نهادینه کردن هر یک از این دسته مهارت‌ها با درونمایه دینی با توجه به نکاتی است که به کمک آنها می‌توان ارزش‌های دینی و اسلامی را درونی کرد. پس از شناسایی الگو و جایابی هر یک از این مهارت‌ها، باید در نظر داشت که در راستای آموزش هر یک از مهارت‌ها به دانش‌آموزان، زمینه‌های لازم در شیوه‌های تربیتی مدرسه، خانواده و فضای فیزیکی مدرسه همواره مدنظر قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

نادری و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان "واکاوی اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان" انجام دادند. نتایج نشان داد در مؤلفه‌های مهارت‌های عمومی، مهارت حل مسئله، مهارت‌های عددی و حسابی، کیفیت‌های فردی، مهارت‌های ارزیابی و یادگیری توسعه شغلی از توانمندی مطلوبی برخوردارند. اما میانگین مؤلفه معرفی خود به کارفرما به‌طور معنی‌دار پایین‌تر از حد مطلوب بود. قاسمیان (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان "بررسی نقش آموزش‌های مهارتی بر میزان اشتغال دانش‌آموختگان با کمک تکنیک معادلات ساختاری" انجام داد. نتایج نشان داد که آموزش‌های مهارتی، نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروی کار ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کند. نتیجه اینکه آموزش‌های مهارتی ۰/۳۳ بر میزان اشتغال فارغ‌التحصیلان تأثیر داشته است. اشراقی و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی با عنوان "بررسی میزان مهارت کارآموختگان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان ایلام از دیدگاه کارفرمایان" انجام دادند. نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای انطباق و هماهنگی شغلی، توانمندی شغلی، رضایتمندی کارفرما و مهارت‌های شغلی کارآموختگان وجود دارد. رفیعی و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان "بایسته‌های فرهنگ کار مطلوب از منظر امیرالمؤمنین" انجام دادند. در بررسی به‌عمل آمده، مواردی چون وجدان کاری، نظم و برنامه‌ریزی و اتقان و محکم کاری در کارها از مهم‌ترین بایسته‌های فرهنگ کار مطلوب از منظر امیرالمؤمنین (ع) می‌باشند که با تحلیل عناصر جزئی‌تر هر کدام از این عناوین کلی، این مقاله سامان یافته است. اوحدی، مظاهری و معافی (۱۳۹۱)، در پژوهش خود با هدف بررسی میزان اعتبار علمی برنامه

درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی از دیدگاه صاحب‌نظران، نتایج پژوهش را شامل ضرورت بازنگری در تعریف ارائه‌شده از آداب و مهارت‌های زندگی، مبانی نظری حاکم بر اصول برنامه، رویکرد حاکم بر برنامه، توجه به تفاوت‌های جنسیتی در برنامه و همچنین رعایت یک نقشه مفهومی مناسب برای سطوح ابتدایی تا متوسطه تمرکز نموده‌اند. گودرزی و سالاری (۱۳۸۹)، پژوهشی با عنوان "یادگیری ترکیبی رویکردی نوین در آموزش و توسعه کارآفرینی در سازمان‌ها" انجام دادند. یادگیری ترکیبی می‌تواند یک رویکرد امیدبخش برای آموزش و یادگیری باشد. رحمانی و کتولی (۱۳۸۲)، پژوهشی با عنوان "چالش‌های نظام آموزش عالی در ارتباط با اشتغال فارغ‌التحصیلان" انجام دادند. مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از: ۱. عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاه و نیازهای آتی بازار کار، ۲. عدم تناسب بین محتوای آموزش با مهارت‌های شغلی، ۳. عدم توفیق دانشگاه‌ها در ایجاد و تقویت روحیه علمی و انگیزه خدمت‌رسانی به جامعه در دانشجویان، ۴. مشخص نبودن حداقل قابلیت‌های مهارتی، علمی و عملی برای فارغ‌التحصیل شدن، ۵. عدم آشنایی اعضای هیئت علمی با مهارت‌های موردنیاز، فرایند و نحوه انجام امور در واحدهای تولیدی و خدماتی مرتبط با رشته تحصیلی فارغ‌التحصیلان، ۶. فقدان زمینه مناسب برای آموزش‌های علمی و کاربردی، ۷. ناکارآمدی اعضای هیئت علمی در تربیت نیروی کار ماهر و متخصص موردنیاز جامعه، ۸. مطرح نبودن مسائل علمی و پژوهشی به‌عنوان اولویت اول در دانشگاه‌ها.

تانوموان^۱ و همکاران (۲۰۱۵)، پژوهشی با عنوان "تأثیر صلاحیت‌های معلم بر مهارت‌آموزی شغلی دانش‌آموزان" انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین صلاحیت‌های معلمان با مهارت‌آموزی شغلی دانش‌آموزان وجود دارد. هرچه صلاحیت‌های حرفه‌ای و اطلاعات شغلی معلمان بیشتر باشد، مهارت‌آموزی دانش‌آموزان دبیرستانی بیشتر خواهد بود. سانشین و همکاران^۲ (۲۰۱۵)، پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر عملکرد شغلی فارغ‌التحصیلان" انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر عملکرد شغلی فارغ‌التحصیلان، مهارت‌های شغلی آموخته‌شده در رشته تحصیلی در مدرسه است و هرچه مهارت‌آموزی دانش‌آموزان در مدرسه بیشتر باشد، موفقیت و عملکرد شغلی فارغ‌التحصیلان بهتر

1 - Thanomwan Prasertcharoensuka

2 - Sunshine B. Alos, Lawrence C. Caranto, Juan Jose T. David

خواهد بود. گابورنا^۱ (۲۰۱۴)، پژوهشی با عنوان "آموزش معلمان برای ترکیب برنامه آموزش مهارت‌های زندگی با تدریس حرفه‌ای و شغلی" انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که برای افزایش مهارت‌های زندگی و شغلی در معلمان باید با برنامه‌های آموزشی مدون و دقیق ابتدا مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای معلمان را بالا برد. مایکل و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی با عنوان "برنامه درسی برای تعالی، ساخت برنامه درسی، چهار مهارت برای یادگیری، مهارت‌های زندگی و مهارت‌های کار" یک بازه گسترده برای مهارت‌ها در اسکاتلند معرفی نموده است و این دسته‌بندی به صورت مهارت‌های فردی و یادگیری که افراد را قادر می‌سازد تا یادگیرندگان مؤثری در زندگی باشند، سواد و حساب که شامل مهارت‌های پنج‌گانه ارتباطات، حساب، حل مسئله، فناوری اطلاعات و همکاری با دیگران می‌شود و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای که به مهارت‌های شغلی مربوط می‌شود، می‌باشد. اچینگ^۲ (۲۰۱۰)، پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر کسب مهارت‌های حرفه‌ای و فنی دانش‌آموزان" انجام داد. نتایج نشان داد از عوامل مهم در کسب مهارت‌آموزی، برنامه درسی، ویژگی‌های معلم، طول دوره‌ها، محیط و فضای کلاس و از همه مهم‌تر امکانات می‌باشند.

باتوجه به موارد ذکر شده در پیشینه پژوهش و باتوجه به نقش مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان در رشد و ارتقای آنان، توجه به مهارت‌آموزی در مدارس کشور بیش‌ازپیش باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، در این پژوهش، محقق در نظر دارد، به تدوین و تبیین الگوی ایرانی - اسلامی مهارت‌آموزی باتوجه به مهارت‌های شغلی بپردازد. باتوجه به این موضوع که ارزش‌ها و باورهای دینی، غرایز بشر را در جهت صحیح هدایت کرده و خواسته‌ها و تمایلات او را اصلاح نموده و انسان‌هایی برای جامعه تربیت می‌نماید که قادر به بالندگی کشورشان باشند، تربیت دینی به عنوان راهی برای شکوفاکردن قوای انسان به‌طور متعادل، هماهنگ و در چارچوب ارزش‌های الهی به حساب می‌آید (نصیری و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین، لزوم توجه به ارزش‌های دینی و پیش‌زمینه دینی و اسلامی در این الگو، امری انکارناپذیر است.

همچنین زمینه‌های مختلف مهارت نیز وجود دارد که شامل: مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های یادگیری، مهارت‌های نوآوری، مهارت‌های زندگی، مهارت‌های شغلی، مهارت‌های فناورانه، رسانه

1 - Gabureanu Simona

2 - ACHIENG

و اطلاعات، مهارت‌هایی هستند که در "مهارت‌های قرن بیست‌ویکم برای دانش‌آموزان و معلمان" ذکر شده است. مهارت‌های شخصی و یادگیری، مهارت‌های سواد و توان محاسباتی، مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله، فناوری اطلاعات و توانایی کار گروهی و همچنین مهارت‌های شغلی نیز در "برنامه درسی ملی" مهارت‌هایی برای یادگیری، مهارت‌های زندگی و مهارت‌های کار و فن‌آوری قید شده است.

با بررسی تحقیقات انجام‌شده متوجه می‌شویم که به‌رغم اهمیتی که مهارت‌آموزی در وضعیت کنونی دارد، تاکنون هیچ تحقیقی در ایران در خصوص آن صورت نگرفته است و تحقیق حاضر با تدوین الگوی مهارت‌آموزی در مدارس می‌تواند به روشن شدن این مسئله کمک کند. بنابراین، پرداختن بیشتر به این مسئله و بررسی و واکاوی آن، ضرورتی ناگزیر است، چراکه تا روشن نشود که ابعاد و مؤلفه‌های تبیین الگوی ایرانی - اسلامی مهارت‌آموزی با توجه به مهارت‌های شغلی کدامند، نمی‌توان در راستای بهبود وضعیت بیکاری و اشتغال تلاش کرد و همچنان پرسش‌هایی بی‌پاسخ در اذهان باقی خواهد ماند.

روش پژوهش

از آنجا که رویکرد کیفی، رویکرد مناسبی در جهت کشف داده‌های جدید و غیرمنتظره است و به زبانی ساده‌تر برای مطالعات توصیفی و اکتشافی مناسب هستند (کرسول، ۲۰۱۳)، از این رویکرد در جهت شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مهارت‌آموزی استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه صاحب‌نظران، کارشناسان و مدیرانی است که در یکی از عرصه‌های مهارت‌آموزی رسمی (آموزش و پرورش) و غیررسمی (سازمان فنی و حرفه‌ای کشور) تجربه و حضور دارند. جهت نمونه‌گیری برای انجام مصاحبه‌های عمیق از روش نمونه‌گیری هدف‌مند^۱ تا اشباع نظری استفاده شد. در پژوهش کنونی برای انتخاب نمونه‌های پژوهش از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است که در آن یک شرکت‌کننده در پژوهش ما را به شرکت‌کنندگان دیگر یا گلوله برفی هدایت می‌کند. ویژگی‌های نمونه انتخاب‌شده در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱: ویژگی‌های نمونه انتخاب‌شده پژوهش حاضر

جمع ردیف	مهارت‌آموزی غیررسمی (سازمان فنی و حرفه‌ای کشور)	مهارت‌آموزی رسمی (آموزش و پرورش)	عرصه فعالیت تحصیلات
۲	۲	-	دانشجوی کارشناسی ارشد
۳	۲	۱	دانشجوی دکتری
۱۰	۵	۵	عضو هیئت‌علمی
۱۵	۹	۶	جمع ستون

با انجام این تعداد مصاحبه، تشخیص محقق این بوده است که اطلاعات گردآوری‌شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های بیشتر نیست. در انتخاب این تعداد نمونه، مسائلی چون زمان، دردسترس بودن مصاحبه‌شوندگان و میزان همکاری آنها مورد توجه بوده است. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. این مطالعات شامل بررسی پژوهش‌های موجود و مرتبط با موضوع، کتب، مقالات، رساله‌ها، پایگاه‌های اطلاعاتی، اسناد پایین‌دستی و اسناد بالادستی و نیز از شبکه جهانی اطلاعات^۱ بود و به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات برای سؤالات پژوهش در این پژوهش از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است.

در این پژوهش از نظریه مفهوم‌سازی بنیادی استفاده شده است. در این پژوهش با استفاده از روش کدگذاری باز و محوری به تحلیل و تفسیر یافته‌ها پرداخته شد. در ابتدا با استفاده از کدگذاری باز صفات مطرح‌شده در مصاحبه‌ها و بحث‌های کارشناسی خبرگان، کارشناسان و مدیران حوزه‌های مهارت‌آموزی رسمی و غیررسمی، شناسایی، استخراج و کدگذاری شد. در مرحله دوم کدگذاری محوری، تمامی این صفات دسته‌بندی و یا طبقه‌بندی شده و درنهایت این طبقات به دست آمده در چند مقوله اصلی با استفاده از کدگذاری انتخابی جمع‌بندی شدند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش اطلاعات حاصل از مصاحبه با ۱۷ نفر از خبرگان و دانشگاهیان متخصص در حوزه آموزش مهارت‌آموزی کشور، شامل ۲۹۷ مفهوم است که تحت ۴۶ مقوله جای گرفته‌اند:

جدول ۲: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها

مقوله ۱. وجود معلمان ماهر و توانمند	
مهارت‌های بین فردی	مفاهیم
اعتماد به نفس	
تخصص در حیطه محتوا	
شایستگی‌های حرفه‌ای	
مهارت و خلاقیت در آموزش و تدریس	
داشتن مهارت‌های ارتباطی	
مهارت و دانش شغلی	
دانش عملی و کاربردی	
دانش محیطی	
مقوله ۲. توجه به شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی	
توجه به شایستگی‌های شغلی در استخدام ارتقای شغلی	مفاهیم
در نظر گرفتن شایستگی‌های تخصصی در استخدام و کارراهه شغلی	
در نظر گرفتن استعداد های افراد در انتصابات	
انتصاب با قاعده افراد به مناصب شغلی	
توجه به شایسته‌گزینی	
مقوله ۳. مهارت‌ها و شایستگی‌های پایه و غیر فنی دانش‌آموزان	
مسئولیت‌پذیری	مفاهیم
مشارکت و همکاری	
مدیریت	
خلاقیت	
داشتن ایده تازه	
حس کنجکاوی	
خودآگاهی	
آگاهی فرهنگی و اجتماعی	
شایستگی تفکر	
ارتباطات	
شایستگی کسب و کار	
نگرش سیستمی	
مقوله ۴. مهارت‌های فنی و شغلی دانش‌آموزان	
آشنایی با مشاغل	مفاهیم
مهارت جستجوی شغل	
دانش شغلی	
شناخت و کشف فرصت‌های شغلی	
مهارت‌های دستی و بدنی	
عمل کردن به‌جای منفعل بودن	
کاربرد تعاملی ابزارها	
درک تجاری و اصول کسب و کار	

ادامه جدول ۲: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها

ادامه مقوله ۴. مهارت‌های فنی و شغلی دانش‌آموزان	
وقت‌شناسی	مفاهیم
بهبود شایستگی‌های رفتاری	
آشنایی با ابزارها و وسایل مختلف	
آشنایی با مقررات و قوانین کاری	
آشنایی با نکات بهداشتی و ایمنی	
آشنایی با مشاغل	
مقوله ۵. تربیت حرفه‌ای مبتنی بر مهارت و شایستگی	
خواندن کاربردی	مفاهیم
نوشتن کاربردی	
محاسبات کاربردی	
آموزش صحیح دخل و خرج (مدیریت مالی)	
سواد علمی	
سواد مالی	
سواد مدنی و فرهنگی	
یادگیری برای عمل	
دانش محیطی	
دانش بین فردی	
پودمان‌های شایستگی و مهارتی	
بسته مهارت‌آموزی	
پروژه محوری	
واحد مهارت‌آموزی	
مقوله ۶. کیفیت آموزش و تدریس و یادگیری	
آموزش عملی	مفاهیم
روش‌های فعال و خلاق	
کارگروهی و حل مسئله	
پاسخگویی به نیازهای جامعه و دانش‌آموزان	
تنوع ابزارها و روش‌ها	
تلفیق نظریه و عمل	
مشارکت دانش‌آموزان	
استفاده از فناوری‌های نوین	
ارائه آموزشی جدید و نو	
محتوای متمایز عملی	
انتخاب مکان مناسب آموزش و تدریس	
نتیجه محوری و فرایند محوری	
کاربردی بودن	
استفاده از روش‌ها، ابزارها و راهکارهای متنوع	
دست‌ورزی و تمرین عملی	

ادامه جدول ۲: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها

مقوله ۷. توجه به فرهنگ و شرایط اجتماعی	
مفاهیم	شناخت گرایش‌های اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان
	تناسب موضوع و فعالیت با شرایط اجتماعی اقتصادی و فرهنگی جامعه
	احساس نیاز به موضوع و محتوا از سوی جامعه و مردم
	محوریت قراردادن نیازهای دانش‌آموزان و جامعه
	واقع‌بینی نسبت به امکانات محیطی
مقوله ۸. فرهنگ‌سازی	
مفاهیم	آموزش خانواده‌ها
	تقویت فرهنگ کار از طریق انجمن اولیا و مربیان
	مشاوره و راهنمایی درست دانش‌آموزان و خانواده‌ها
	توجه به ارزش کار و فعالیت و تلاش
	فرهنگ‌سازی از لحاظ اقتصادی
	فرهنگ‌سازی از لحاظ اجتماعی
	فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها، صداوسیما و ..
	حضور و استفاده مستمر در رسانه‌های مختلف جهت مهارت‌آموزی
	استفاده از رسانه‌های مختلف برای ارتباط با ذی‌نفعان
	اطلاع‌رسانی به والدین، جامعه و.. در زمینه مهارت‌آموزی
	مطلع‌نگه‌داشتن اعضا از قواعد و مقررات مهارت‌آموزی شغلی
	اطلاع‌رسانی مناسب در زمینه قوانین مهارت‌آموزی شغلی
	ایجاد آگاهی در مدارس در معرفی ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات از قبیل پردازش لغت، پایگاه داده‌ها، گفتگو و... در فرایند ویکی، بلاگ، پادکست، اتاق گفتگو و یاددهی - یادگیری؛
مقوله ۹. تحول در برنامه درسی	
مفاهیم	تقسیم دروس به الزامی، انتخابی و اختیاری
	دروس بین‌رشته‌ای
	توجه به آموزش استاد - شاگردی
	توجه به آموزش کارآفرینی در برنامه درسی
	توجه به پژوهش‌محوری و پروژه‌محوری بودن
	حرکت از جدایی برنامه‌های آموزش و پرورش به برنامه درسی یکپارچه
	حرکت از برنامه درسی تک‌وجهی به چندوجهی
	استفاده از بسته یادگیری
	تنوع‌بخشی
	انعطاف‌پذیری
	تأکید بر عمل‌گرایی
	حرکت از تربیت گلخانه‌ای به محیط واقعی کار
مقوله ۱۰. تحول در محیط‌های یادگیری	
مفاهیم	مهارت‌آموزی در محیط واقعی کار
	کارگاه - کلاسی
	آزمایشگاه (شاگرد محوری)

ادامه جدول ۲: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

ادامه مقوله ۱۰. تحول در محیط‌های یادگیری	
کارگاه (تولیدی)	مفاهیم
عملیات میدانی	
کارگاه مرکزی	
کارآموزی در محل کار	
محیط استاد - شاگردی	
استفاده از همه محیط‌ها و رسانه‌ها در جهت یادگیری	
مقوله ۱۱. تحول در روش‌های سنجش و ارزشیابی	
تنوع ابزارها و روش‌ها در بهره‌گیری از شایستگی در موقعیت	مفاهیم
شواهد کافی و متنوع برای قضاوت	
ارزشیابی متنوع و مستمر با توجه به موضوع یادگیری	
خودآگاهی و خودارزیابی	
مشارکت سایر دانش‌آموزان در دستیابی به سطوح شایستگی	
مشارکت سایر دانش‌آموزان و والدین در سنجش	
کارگروهی و حل مسئله	
تکالیف عملکردی در سنجش	
استفاده از آزمون‌های مهارتی	
شبیه‌سازی‌ها	
مشاهده عملکرد	
مقوله ۱۲. تحول در کتاب‌ها و محتوای درسی	
نرم‌افزارهای آموزشی	مفاهیم
فیلم آموزشی	
اسلایدها و اپلیکیشن‌های آموزشی	
کاربینی و بازبینی	
محتوای گویا و مفید و مختصر	
بروز	
صحیح و دقیق	
سریع و معتبر	
راهنما و راهگشا	
تلفیق منابع یادگیری الکترونیکی، کتابی، کارگاهی و عملی با منابع دیگر	
یادگیری ترکیبی	
محتوای آموزش شغلی مناسب	
مقوله ۱۳. رویکرد و راهبرد در مهارت‌آموزی (دیدگاه جامع به مهارت‌آموزی)	
اتخاذ سیاست‌های کل‌نگر در مهارت‌آموزی	مفاهیم
داشتن چشم‌انداز روشن در مهارت‌آموزی	
داشتن راهبرد برای مهارت‌آموزی	
رویکرد منظم به مهارت‌آموزی	
تبیین واضح خط‌مشی و رویه‌های نظام‌مند	

ادامه جدول ۲: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها

ادامه مقوله ۱۳. رویکرد و راهبرد در مهارت‌آموزی (دیدگاه جامع به مهارت‌آموزی)	
مفاهیم	ایجاد ساختار و سازمان مهارت‌آموزی در آموزش و پرورش (زیرنظر و زیرمجموعه آموزش و پرورش)
	مشخص کردن وظایف، اهداف و مأموریت‌های سازمان برای مهارت‌آموزی
	برنامه‌ریزی برای شایسته‌گماری
	برنامه جامع مهارت‌آموزی (تربیت حرفه‌ای) از پیش‌دبستان تا پایان
مقوله ۱۴. تأمین منابع مالی	
مفاهیم	شرایط اقتصادی (پول‌داشتن)
	وجود امکانات مالی مؤسسات آموزشی
	حمایت‌های دولتی
	حمایت بخش خصوصی
	بودجه
	حمایت و اختصاص منابع لازم برای رشد فرد
	افزایش سرمایه‌گذاری در آموزش‌ها فنی و حرفه‌ای
	تنوع منابع مالی
	حمایت از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
خیرات و وقف‌ها و تبرعات	
مقوله ۱۵. محدودیت‌ها و مشکلات قانونی	
مفاهیم	قوانین و مقررات دست‌وپاگیر
	محدودیت در تدوین قانون جامع مهارت‌آموزی
	قوانین و مقررات ممانعت‌کننده
	تدوین سند چشم‌انداز مهارت‌آموزی
	قوانین من‌درآوردی در زمینه مهارت‌آموزی
	مشخص نبودن فرایند اجرایی مهارت‌آموزی برای مدارس
	ضعف در مستندات قانونی برای ارجاع در موارد لزوم در مهارت‌آموزی
	بی‌قانونی در فرایند ارتقای مهارت‌آموزی
	اجرای قوانین متناسب با نظر عده‌ای خاص
قوانین و مقررات دست‌وپاگیر	
مقوله ۱۶. نیازسنجی	
مفاهیم	نیازسنجی شعلی
	نیازسنجی دانش‌آموزان
	نیازسنجی ذی‌نفعان
	نیازسنجی بازار کار
	نیازسنجی آموزشی
	جمع‌آوری اطلاعات درباره مشاغل
	نیازسنجی فناوریانه و نیروی انسانی
	نیازسنجی منطقه‌ای
مقوله ۱۷. عدم باور و تعهد به مهارت‌آموزی	
مفاهیم	عدم باور مدیران به مهارت‌آموزی
	عدم تعهد مدیران و سازمان به مهارت‌آموزی

ادامه جدول ۲: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها

ادامه مقوله ۱۷. عدم باور و تعهد به مهارت‌آموزی	
مفاهیم	التزام نداشتن سازمان به مسائل شغلی و مهارتی
	عدم اجرای برنامه‌ها و اهداف تعیین شده برای مهارت‌آموزی
	متعهد نبودن سازمان و مدیران به طی مسیر درست مهارت‌آموزی شغلی
	نبود متولی
مقوله ۱۸. مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی آموزش و پرورش	
مفاهیم	پذیرفتن مسئولیت توسط مدیران در مقابل تصمیم‌گیری‌های مهارت‌آموزی
	توجه مدیران ارشد نسبت به رعایت مهارت‌آموزی
	توجه به شاخص‌های تخصص و شایستگی و موفقیت در مهارت‌آموزی از طرف مدیران در طی مسیر شغلی
	توجه مدیران به شکایت‌های مردم، صاحبان حرفه و متخصصان در زمینه مهارت‌آموزی دانش‌آموزان
	پاسخگویی به شکایت‌های ذی‌نفعان
	مسئولیت نسبت به برونداد و نتایج آموزش و پرورش
	مسئولیت نسبت به بی‌کاری فارغ‌التحصیلان
	پاسخگویی به نیازهای ذی‌نفعان
	پاسخگویی به درخواست‌های ذی‌نفعان
	جدیت و علاقه به اجرا
	عمل کردن به برنامه مهارت‌آموزی
گفتگو درباره مهارت‌های مناسب برای دانش‌آموزان	
مقوله ۱۹. آینده‌پژوهی و آینده‌نگری	
مفاهیم	دارا بودن واحد پژوهش و توسعه برای گسترش مهارت‌آموزی
	توجه به پژوهش‌های طولی و تغییرات مناسب با توجه به تجارب
	پژوهش‌های میدانی جهت شناخت نیازهای ذی‌نفعان
	آینده‌پژوهی فناورانه
	آینده‌پژوهی شغلی
	آینده‌پژوهی بازار کار
	آینده‌پژوهی مشاغل جدید
آینده‌پژوهی مهارت‌های موردنیاز	
مقوله ۲۰. همکاری و ارتباطات بین‌المللی آموزشی	
مفاهیم	ارتباط با نهادهای آموزشی بین‌المللی
	مشارکت شرکت‌های خارجی در برگزاری دوره‌های آموزشی مهارت‌آموزی
	وجود ارتباطات مناسب با مؤسسات آموزشی بین‌المللی
	همکاری با مؤسسات بین‌المللی آموزشی برای مهارت‌آموزی
	استفاده از تجارب بین‌المللی مهارت‌آموزی
	استفاده از تجربه‌های بین‌المللی
	اعزام گروهی کارکنان و معلمان برای شرکت در دوره‌های آموزشی
	دعوت از مهارت‌آموزان موفق برای برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی
	گسترش ارتباطات با آموزش کشورهای موفق
	همکاری مشترک با مؤسسات برتر آموزشی

ادامه جدول ۲: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها

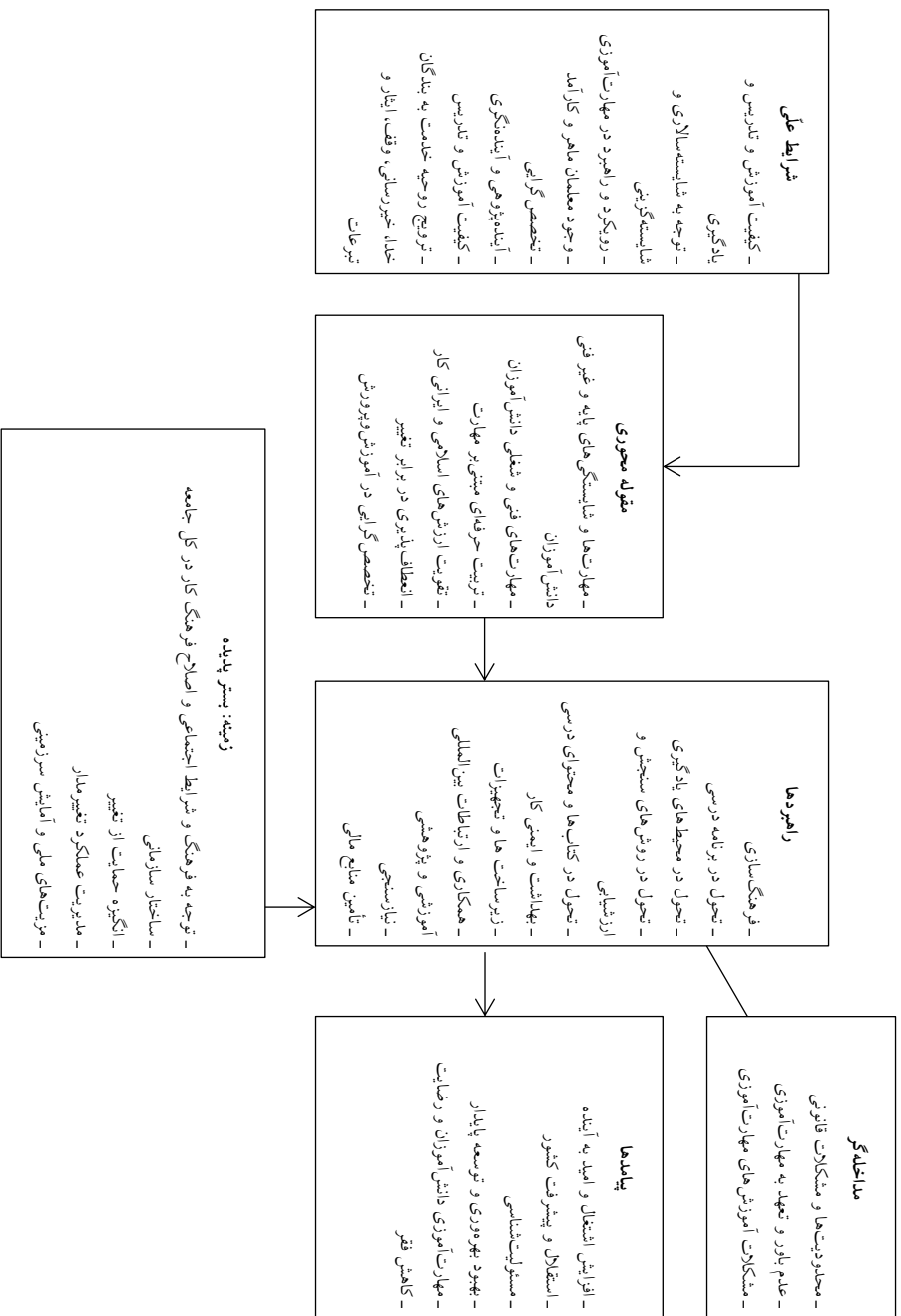
مقوله ۲۱. تأمین و آماده‌سازی نیروی انسانی	
استفاده از افراد متخصص و صاحب‌نام	مفاهیم
استفاده از معلمان و مربیان کارآزموده	
جذب، استخدام و توسعه نیروهای کارآمد	
جذب نیروی انسانی خلاق و نوآور	
جلب مشارکت افراد کارآفرین کلیدی یا آموزش‌دهندگان موفق	
آموزش کارکنان برای مهارت‌آموزی	
توانمندسازی کارکنان	
آموزش‌های ضمن خدمت برای مدیران و کارکنان	
ارزیابی مداوم عملکرد کارکنان	
برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌ها و پودمان‌های آموزشی	
وجود ارتباطات مناسب با متخصصان و صاحب‌نظران مهارت‌آموزی	
تربیت معلم کارآمد	
ارتباط بین آموزش و پرورش و بهره‌برداران	
مقوله ۲۲. انعطاف‌پذیری در برابر تغییر	
انعطاف‌پذیری	مفاهیم
عدم ترس از تغییر	
داشتن تمایل به تغییر و نوآوری	
مقوله ۲۳. ساختار سازمانی	
عدم تمرکز سازمانی	مفاهیم
نظام سازمانی مناسب برای جذب، استخدام و ارتقا	
در نظام گزینش و استخدام براساس معیارهای شایسته‌سالاری	
انعطاف‌پذیری سازمانی	
رسمیت سازمانی	
تشکیل سازمان (زیرساختاری) مهارت‌آموزی در آموزش و پرورش	
نظم سازمانی	
تفویض اختیار و آزادی عمل مدارس	
سازماندهی پویا و انعطاف‌پذیر در جهت اصلاح کار	
انسجام و هم‌راستایی بخش‌ها و دوایر در جهت اهداف مهارت‌آموزی	
تناسب قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و اختیارات با مهارت‌آموزی	
مقوله ۲۴. زیرساخت‌ها و تجهیزات	
زیرساخت‌های فنی	مفاهیم
زیرساخت قانونی	
زیرساخت مادی	
زیرساخت‌های ارتباطی	
زیرساخت فرهنگی	
تجهیزات لازم	

ادامه جدول ۲: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

مقوله ۲۵. تخصص‌گرایی	
داشتن تیم تخصصی برنامه‌ریزی	مفاهیم
داشتن تیم تخصصی مهارت‌آموزی	
استفاده از نیروهای متخصص	
تخصص در مهارت‌آموزی شغلی	
تخصص در محتوا	
تخصص‌گرایی در وظایف	
مقوله ۲۶. تقویت ارزش‌های اسلامی و ایرانی کار	
ارزش کار حلال	مفاهیم
سخت‌کوشی	
تلاش و فعالیت	
پرهیز از اسراف	
نظم و انضباط	
تعهد کاری	
وجدان کاری	
حقوق متقابل (مشتری، صاحب کار، کارگر)	
عرق ملی	
پرهیز از تنبلی	
تقدس کار	
ارزش کالا و تولیدات ایرانی	
مقوله ۲۷. مدیریت عملکرد تغییر مدار	
مدیریت عملکرد متناسب با تغییر	مفاهیم
مدیریت رفتارهای سازمانی متناسب با اهداف رفتاری تغییر	
نظام ارزیابی عملکرد متناسب با اهداف تغییر	
کنترل و نظارت مستمر بر رفتار و عملکرد کارکنان	
خلق محیط رقابتی در عمل به ارزش‌ها و اهداف رفتاری تغییر	
ساماندهی کنکور	
توسعه و ترویج ارزش‌های حامی تغییر	
توسعه و ترویج ارزش نوآوری و خلاقیت	
تغییر نظامات آموزشی	
مستندسازی مهارت‌آموزی	
مقوله ۲۸. انگیزه حمایت از تغییر	
مشارکت فراگیر کارکنان در تغییر (مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در تحلیل و ارزیابی، مشارکت فکری و دانشی، مشارکت در نظارت بر تغییر)	مفاهیم
مشوق‌های مالی و معنوی در تغییرات موفق به سوی مهارت‌آموزی	
بینش مشترک نسبت به چشم‌انداز و مأموریت سازمان	
اقناع کارکنان در مورد تغییر	
تفویض اختیار و آزادی عمل	

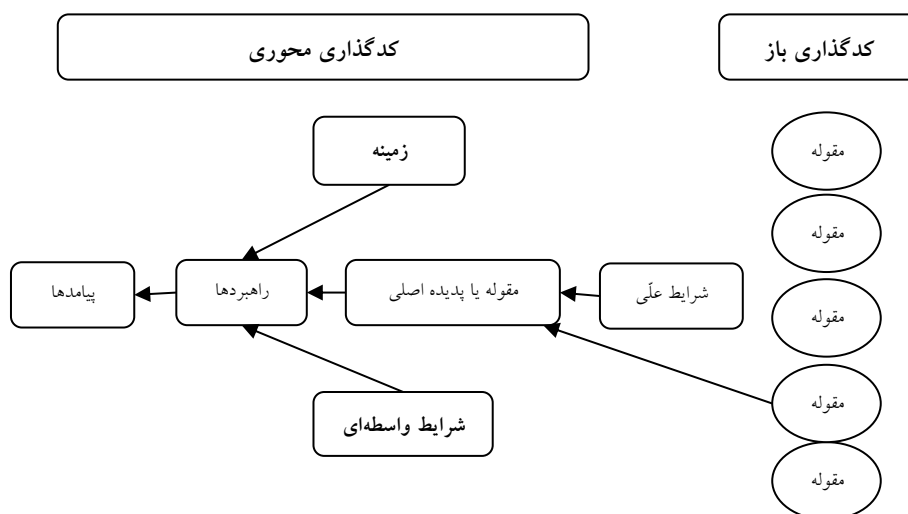
ادامه جدول ۲: مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها

ادامه مقوله ۲۸. انگیزه حمایت از تغییر	
توسعه ظرفیت‌های مسئولیت‌پذیری	مفاهیم
کارکنان حامی تغییر	
توسعه و تقویت مشارکت‌جویی کارکنان	
بینش مشترک نسبت به چشم‌انداز و مأموریت سازمان	
توانمندسازی تغییرمحور	
توسعه و ترویج ارزش‌های حامی تغییر	
اعتمادسازی ذی‌نفعان	
مقوله ۲۹. بهداشت و ایمنی کار	
فضا و مکان مناسب برای مهارت آموزشی	مفاهیم
ایمنی دانش‌آموزان	
بهداشت محیط کار	
بیمه دانش‌آموزان	
امکانات بهداشتی	
لباس و و تجهیزات مناسب	
مقوله ۳۰. مشکلات آموزش‌های مهارت‌آموزی	
کندبودن	مفاهیم
پرهزینه‌بودن	
زمان‌بربودن	
نیازمند فضا و تجهیزات زیاد	
نیازمند توجه و اقتناع والدین	
مدرک‌گرایی جامعه	
موانع فرهنگی	
چالش ادراکی	
چالش ساختاری	
کمبود متخصص	
مقوله ۳۱. پیامدها	
افزایش اشتغال	مفاهیم
رشد و پیشرفت کشور	
مسئولیت‌شناسی	
امید به آینده	
بهبود بهره‌وری	
شایسته‌سالاری	
دانش‌آموزان با مهارت و خلاق	
توسعه پایدار	
رونق اقتصادی	
کاهش فقر و تولید ثروت	
احساس رضایت	
استقلال کشور	



شکل ۱: حکم‌گذاری محوری بر اساس الگوی پارادایم

همان گونه که قبلاً هم اشاره شد در این پژوهش با استفاده از پارادایمی که کوربین و استراس (۱۳۹۴) ارائه کرده‌اند، نقش مقولات استخراج شده را در قالب الگو پارادایمی شناسایی نمودیم. الگو پارادایمی دارای اجزای زیر است:



شکل ۲: الگوی پارادایمی کوربین و استراس (۱۳۹۴)

با گذراندن مراحل فوق، الگوی اصلی پژوهش ارائه شد (شکل ۴ - ۲). گرچه الگوی ارائه شده (شکل ۴ - ۲ خود گویاست، مع الوصف مراحل به دست آمده به اختصار عبارتند از: مقوله محوری: در پژوهش حاضر از میان مقوله‌های موجود "مهارت‌ها و شایستگی‌های پایه و غیرفنی دانش‌آموزان، مهارت‌های فنی و شغلی دانش‌آموزان، تربیت حرفه‌ای مبتنی بر مهارت و شایستگی، تقویت ارزش‌های اسلامی و ایرانی کار، انعطاف‌پذیری در برابر تغییر و تخصص‌گرایی در آموزش و پرورش" به عنوان کانونی یا مقوله محوری مطرح شده‌اند. شرایط علی: از میان مقوله‌های موجود، "مقوله‌های کیفیت آموزش و تدریس و یادگیری، توجه به شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی، رویکرد و راهبرد در مهارت‌آموزی، وجود معلمان ماهر و کارآمد، تخصص‌گرایی، آینده‌پژوهی و آینده‌نگری و کیفیت آموزش و تدریس" به عنوان عللی تلقی می‌شوند که نقش فعال در مهارت‌آموزی داشته و تا این عوامل مهیا نشوند، مهارت‌آموزی

شکل نمی‌گیرد.

راهبردها: مهم‌ترین راهبردهای اتخاذ شده در این پژوهش عبارتند از: "فرهنگ‌سازی، تحول در برنامه درسی، تحول در محیط‌های یادگیری، تحول در روش‌های سنجش و ارزشیابی، تحول در کتاب‌ها و محتوای درسی، بهداشت و ایمنی کار، زیرساخت‌ها و تجهیزات، همکاری و ارتباطات بین‌المللی آموزشی و پژوهشی، نیازسنجی و تأمین منابع مالی".

بستر زمینه: شرایط بستر در پژوهش کنونی مقوله‌های "توجه به فرهنگ و شرایط اجتماعی، ساختار سازمانی، انگیزه حمایت از تغییر و مدیریت عملکرد تغییرمدار" هستند.

شرایط مداخله‌گر: در پژوهش حاضر مقوله‌های "محدودیت‌ها و مشکلات قانونی، عدم باور و تعهد به مهارت‌آموزی و مشکلات آموزش‌های مهارت‌آموزی" به‌عنوان شرایط مداخله‌گر الگوی پارادایمی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

پیامدها: اشتغال‌زایی، پیامد پژوهش حاضر پیشرفت و اشتغال‌زایی است. مهم‌ترین پیامدهای استخراج شده در این پژوهش عبارتند از: "افزایش اشتغال و امید به آینده، استقلال و پیشرفت کشور، مسئولیت‌شناسی، بهبود بهره‌وری و توسعه پایدار، مهارت‌آموزی دانش‌آموزان و رضایت و کاهش فقر".

بحث و نتیجه‌گیری

در جوامع امروزی، سازمان‌ها نقشی اساسی در پاسخگویی به نیازها و انتظارات جامعه ایفا می‌کنند. یکی از سازمان‌های بسیار حساس و ضروری در هر جامعه نظام تعلیم و تربیت است که مأموریت و رسالت آن پاسخگویی به انتظارات و نیازهای تربیتی و آموزشی جوامع است. این نظام به‌منظور پاسخگویی به انتظارات و نیازهای اعضای جامعه به مدیریت مناسب منابع نیازمند است. از یک طرف، نیاز به تربیت یکی از نیازهای ریشه‌ای، زمان‌بر و بنیادی انسان‌هاست؛ به طوری که برای انجام و جاری ساختن آن به برنامه‌ها و فعالیت‌های بلندمدتی نیاز است و از طرف دیگر، محیطی که نظام تعلیم و تربیت را احاطه کرده است، محیطی متغیر است و اولویت‌های تربیتی و آموزشی اعضای جامعه به شدت در حال تغییر است. در چنین شرایطی مدیریت نظام تعلیم و تربیت، مستلزم داشتن اهداف و راهبردهای بلندمدت و تعقیب و پیگیری آن اهداف و راهبردها در فعالیت‌های

عملی این سازمان است.

یکی از اهداف مهم نظام آموزشی کشور، پرورش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز جامعه است. اگرچه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور دست به تلاش‌هایی در این زمینه زده‌اند، ولی متأسفانه همخوانی نداشتن درس‌های دانشگاهی و مدرسه با نیازهای جامعه باعث شده است که دانش‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان از تخصص و کارآیی لازم برخوردار نباشند. از این رو، در ساله‌های گذشته با توجه به روند افزایش جمعیت و تقاضا برای ورود به بازار کار از یک سو و مشکلات اقتصادی دولت از سوی دیگر، مسئله «مهارت‌آموزی» اهمیت ویژه‌ای یافته است.

کشور ما نیازمند نیروی کار بهره‌ور در تمامی حرف و مشاغل برای بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. آموزش و تربیت مهارت‌مدار با کیفیت، کارا و اثربخش، یکی از گزینه‌های اصلی برای این مهم است. آموزش و تربیت مهارت‌آموز با کیفیت، کارا و اثربخش یکی از گزینه‌های اصلی برای این مهم است که با توجه به شرایط فرهنگی، آموزشی حرف و اجتماعی کشور، کسب شایستگی‌ها و ایجاد صلاحیت‌های نیروی کار برای ورود به حرف و مشاغل سطوح ابتدایی و میانی را امکان‌پذیر می‌سازد.

هدف نهایی پژوهش حاضر، ارائه الگوی اسلامی - ایرانی مهارت‌آموزی در مدارس متوسطه کشور بود. بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که اولاً علی‌رغم بیکاری و عدم مهارت‌آموزی دانش‌آموزان در مدرسه، کیفیت این آموزش‌ها و آماده‌سازی دانش‌آموزان با مسائل و محدودیت‌های زیادی مواجه بوده است. از سوی دیگر، تاکنون پژوهشی در مورد مهارت‌آموزی مدارس در ایران انجام نشده است. با توجه به اینکه در آموزش و پرورش و تدریس به عنوان یک نظام، هریک از افراد ذی‌ربط، ذی‌نفع و ذی‌علاقه به نحوی در فرایند یاددهی - یادگیری دخالت دارند، درک هریک از آنان از ویژگی‌های مهارت‌آموزی و تفاسیر آنان از کوشش‌ها و فعالیت‌های لازم برای پرورش انسان که واقعیت نظام آموزشی شکل می‌دهد، بررسی ادراکات آنان به روش مناسب نیاز دارد. عوامل اجتماعی و تأثیرشان بر یادگیری را نمی‌توان با قوانین حاصل از اثبات‌گرایی پیش‌بینی کرد. بنابراین، کاربرد رویکرد کیفی در بررسی مهارت‌آموزی دانش‌آموزان در مدارس به عنوان یک پدیده آموزشی می‌تواند تبیین مناسب‌تری از این پدیده به دست دهد و همان‌گونه که دانش‌پژوهان و روش‌شناسانی نظیر بازرگان (۱۳۸۷) یادآور شده‌اند، برای شناخت بهتر پدیده‌های آموزشی و رفتارهای یاددهی - یادگیری در محیط‌های آموزشی و دستیابی به تبیین

مناسب از آنها باید پارادایم‌های فرااثبات‌گرایی و رویکردهای مربوطه یعنی تحقیقات کیفی را به مدد گرفت.

باید توجه داشت که این تحقیقات نیز علی‌رغم مزایایی که در تبیین پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی دارند، غالباً وابسته به شرایط فرهنگی زمینه مورد بررسی هستند. تحقیقات انجام‌شده در زمینه مهارت‌آموزی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. تاکنون هیچ پژوهشی در زمینه مهارت‌آموزی در مدارس انجام نشده است و از طرف دیگر با توجه به زمینه - وابسته بودن تحقیقات کیفی مطالعات خارجی انجام شده (آنها نیز غالباً بر جوانب ویژه‌ای از مهارت‌آموزی دانش‌آموزان در مدرسه تأکید کرده‌اند)، نیز نمی‌توانند تصویری روشن از مهارت‌آموزی دانش‌آموزان در مدارس ایران به دست دهد. با توجه به این نکته و اینکه رجوع صرف به داده‌ها و یافته‌های ناچیز مرتبط با موضوع در سایر کشورها با پس‌زمینه‌های فرهنگی متفاوت می‌تواند گمراه‌کننده باشد، نیاز به بررسی عمیق این پدیده متناسب با شرایط حاکم بر دوره متوسطه در ایران احساس می‌شود. در جهت ارائه تبیین معتبر از این پدیده در ایران در بخش ادبیات نظری با مرور و بررسی پژوهش‌های مرتبط، چارچوبی مفهومی برای شناخت مهارت‌آموزی، برنامه درسی، اشتغال و حرفه ارائه دادیم و در این فصل به‌طور خلاصه نتایج پژوهش ارائه و با بهره‌گیری از ادبیات موضوع تبیین شده است.

از آنجا که هدف پژوهش، تدوین الگوی اسلامی - ایرانی مهارت‌آموزی در مدارس متوسطه کشور بود، لذا نظریه برخاسته از داده، از میان روش‌های کیفی انتخاب شد. همچنین از میان طرح‌های مختلفی که برای نظریه برخاسته از داده، از سوی صاحب‌نظران ارائه شد، از طرح نظام‌مند (اشتراس و کوربین^۱، ۱۳۹۴) استفاده شده است.

در تحقیق حاضر نیز با استفاده از فن‌های تحلیلی اشتراس و کوربین (۱۳۹۴) مفاهیم به‌عنوان واحد تحلیل در سطوح متن کل مصاحبه، پاراگراف، عبارت و جملات مورد توجه قرار گرفتند و با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا پاراگراف‌ها تلاش شد تا کدهای باز استخراج شوند. به دلیل تعدد زیاد مفاهیم استخراج‌شده (بیش از ۳ هزار مفهوم) کدگذاری باز طی دو مرحله انجام شد که در آن مفاهیم در قالب مقوله‌های بزرگ‌تری قرار گرفتند (۶۰۰ مفهوم). بعد از این مرحله سعی شد که مفاهیم اولیه نیز در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی طبقه‌بندی شوند.

در نهایت ۳۰۴ مفهوم کلیدی استخراج شد که با طبقه‌بندی آنها ۶۳ مقوله حاصل شد. در مرحله کدگذاری محوری و انتخابی مقوله‌های پیش‌گفته در قالب ۳۱ مقوله اصلی به شرح زیر جای گرفتند:

نهایتاً این مقوله‌های سی‌ویک‌گانه اصلی در قالب ابعاد شش‌گانه مدل پارادایمی به صورت شرایط علی (۷ مقوله)، مقوله اصلی؛ یعنی: مهارت‌آموزی دانش‌آموزان در مدرسه (در ۶ مقوله فرعی)، راهبرد (۱۱ مقوله)، زمینه (۵ مقوله)، شرایط مداخله‌گر محیطی (۳ مقوله) و پیامدها (۱۲ مقوله) جای گرفتند.

یکی از اهداف مهم هر نظریه برخاسته از داده، کشف پدیده اصلی و تبیین اجزا و عناصر، شرایط و پیامدها براساس آن پدیده است. در تحقیق حاضر، محور اصلی مهارت‌آموزی دانش‌آموزان در مدارس متوسطه: "مهارت‌ها و شایستگی‌های پایه و غیرفنی دانش‌آموزان، مهارت‌های فنی و شغلی دانش‌آموزان، تربیت حرفه‌ای مبتنی بر مهارت و شایستگی، تقویت ارزش‌های اسلامی و ایرانی کار، انعطاف‌پذیری در برابر تغییر و تخصص‌گرایی در آموزش و پرورش" که در مرحله کدگذاری انتخابی آشکار و متعاقب آن روابط برقرار شد. لازم به یادآوری است که پدیده اصلی عبارت از مقوله‌ای است که به ما می‌گوید "چه چیزی در جریان است؟" در تحقیق حاضر "مهارت‌آموزی" مقوله‌ای است که همه عوامل و تأثیرات در جهت توصیف آن حرکت می‌کنند و این مهارت‌آموزی به‌عنوان هدف مهم تحصیل دانش‌آموزان به حساب می‌آید. بررسی چندباره متن مصاحبه‌های پیاده‌شده و مورد توجه قرار دادن جملات و ایده‌های بیانگر ارتباط بین مقوله‌ها، نشان داد که مهارت‌آموزی دانش‌آموزان تحت تأثیر "مقوله‌های کیفیت آموزش و تدریس و یادگیری، توجه به شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی، رویکرد و راهبردی در مهارت‌آموزی، وجود معلمان ماهر و کارآمد، تخصص‌گرایی، آینده‌پژوهی و آینده‌نگری و کیفیت آموزش و تدریس" است. مهارت‌آموزی دانش‌آموزان با تأثیرپذیری از شرایط علی، منجر به شکل‌گیری "فرهنگ‌سازی، تحول در برنامه درسی، تحول در محیط‌های یادگیری، تحول در روش‌های سنجش و ارزشیابی، تحول در کتاب‌ها و محتوای درسی، بهداشت و ایمنی کار، زیر ساخت‌ها و تجهیزات، همکاری و ارتباطات بین‌المللی آموزشی و پژوهشی، نیازسنجی و تأمین منابع مالی" می‌شود. به‌علاوه این کنش‌ها در بستر "توجه به فرهنگ و شرایط اجتماعی، ساختار سازمانی، انگیزه حمایت از تغییر و مدیریت عملکرد تغییرمدار" شکل

می‌گیرند و هم‌زمان از "محدودیت‌ها و مشکلات قانونی، عدم باور و تعهد به مهارت‌آموزی و مشکلات آموزش‌های مهارت‌آموزی" تأثیر می‌پذیرند. نهایتاً اینکه چنین کنش‌ها و واکنش‌هایی پیامدهایی فردی، بیرونی و ناخواسته به همراه آورده و "افزایش اشتغال و امید به آینده، استقلال و پیشرفت کشور، مسئولیت‌شناسی، بهبود بهره‌وری و توسعه پایدار، مهارت‌آموزی دانش‌آموزان، انتقال و کاربرد آموخته‌ها و رضایت و کاهش فقر" را موجب می‌شود.

یک فرد برای ورود به دنیای کار و رسیدن به خودکفایی فردی، اجتماعی و اقتصادی، نیازمند یادگیری مهارت‌های بسیاری است. بخش کوچکی از این مهارت‌ها مربوط به نحوه انجام شغل است و بیش‌ترین تمرکز در آمادگی شغلی باید معطوف به آموزش مهارت‌های عمومی و مشترک در مشاغل مختلف شود؛ بنابراین، باید برنامه شغلی در دوره پیش‌حرفه‌ای به گونه‌ای طراحی و تدوین شود که زمینه برای آموزش این مهارت‌ها فراهم شود.

پیشنهاد‌های کاربردی

- به‌روزرسانی و تدوین سازوکار و ابزاری برای شناسایی نیازهای مهارتی فعلی و آینده، به‌منظور اطمینان از ارتباط برنامه‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با بازار کار به‌سرعت در حال تغییر، اقتصاد و جامعه.

- ارتقای مهارت‌های چندگانه، از قبیل حل مسئله و تفکر انتقادی، مهارت‌های کارآفرینی و ظرفیت‌سازی برای انطباق رفتار، به‌منظور تجهیز یادگیرندگان به مهارت‌هایی برای زندگی و معیشت پایدار.

- تقویت پژوهش در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، با ایجاد پایگاه اطلاع‌رسانی و ترویج بیشتر سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد پژوهشی.

- تلفیق مناسب تربیت اقتصادی و حرفه‌ای با تربیت رسمی و عمومی در همه مراحل تربیت

رسمی و عمومی.

- به‌حساب آوردن نیازهای فردی، تحول مشاغل و حرفه‌ها در جامعه.

- توسعه مشارکت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در چارچوب طرح‌های همکاری منطقه‌ای و

ناحیه‌ای.

- تنوع در منابع مالی با درگیر کردن همه ذی‌نفعان، به‌ویژه از طریق استفاده از سازوکارهای تشویقی منابع.
- جهت‌گیری از تأمین کلاس درس به سامان‌دهی موقعیت‌های یادگیری؛
- جهت‌گیری از انحصار یادگیری در کلاس درس به تنوع‌بخشی به محیط‌های تربیتی و یادگیری.
- جهت‌گیری از نگاه تفکیکی به فضای فیزیکی مدارس به نگاه فرایندی به تربیت و ساخت مجتمع‌های تربیتی.
- جذب سرمایه‌گذاری در آموزش و تأمین نیروی انسانی.
- فراهم کردن زمینه مشارکت بخش خصوصی و صنعت در آموزش و تربیت.
- فراهم‌سازی زمینه مشارکت مردم با استفاده از خیرات و وقف‌ها و تبرعات در تأمین منابع.
- خصوصی‌سازی و فراهم کردن زمینه مشارکت و حمایت بخش خصوصی.
- توجه به ارزش کار و فعالیت و تلاش
- فرهنگ‌سازی از لحاظ اقتصادی
- فرهنگ‌سازی از لحاظ اجتماعی
- فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌ها، صداوسیما و...
- اطلاع‌رسانی به والدین، جامعه و... در زمینه مهارت‌آموزی

منابع

- اشتراوس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۴)، اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ارجمندنیان، علی‌اکبر؛ غیائی ندوشن، سعید؛ خوشنام، مژگان و مقیمیان شیباده، مانده (۱۳۹۰)، فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه آداب و مهارت‌های زندگی در ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی: ۱۰۶-۱۴۶.
- اوحدی، محمود؛ مظاهری، حسن و معافی، محمود (۱۳۹۱)، اعتباربخشی راهنمای برنامه درسی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی: ۱۶۵ - ۱۸۶.
- (بدون تاریخ)، پایگاه جامع اطلاع‌رسانی آموزش و پرورش، کد مطلب ۳۵d۳۳.
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)
- رفیعی، ناصر؛ حسینی محمد؛ رنجبر و باباخانیا، اعظم (۱۳۹۲)، بایسته‌های فرهنگ کار مطلوب از منظر

- امیرالمومنین علی، نشریه حدیث و اندیشه. دوره ۱، شماره ۱۵: ۱۲۷-۹۱.
- رحمانی، رامین و نظری کتولی، علی (۱۳۸۲)، مقاله چالش‌های نظام آموزش عالی در ارتباط با اشتغال فارغ‌التحصیلان ارائه‌شده در اولین همایش اشتغال و نظام آموزش عالی کشور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- زارعی، عطاله (۱۳۸۹)، بررسی دیدگاه اساتید دانشکده فنی دانشگاه کردستان درمورد به‌کارگیری تکنولوژی‌های Web.2 در تدریس و یادگیری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه پیام نور تهران.
- زارعی متین، حسن؛ امامی، مصطفی و رستگار، عبدالغنی (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر تناسب بین شغل و شاغل بر تعهد سازمانی کارکنان، مدیریت فرهنگ سازمانی.
- زرافشانی، کیومرث؛ صی محمدی، سمیره و بارانی، شهرزاد (۱۳۸۹)، ارائه راهبردهای تدریس اثربخش در دوره‌های آموزش کارآفرینی دانشگاه‌ها، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، نوآوری و کارآفرینی (۲۷ و ۲۸ بهمن ۸۹ - شیراز).
- زعفرانیان و همکاران (۱۳۸۹)، ارزیابی اثربخشی آموزش الکترونیکی کارآفرینی، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، نوآوری و کارآفرینی ۲۷ و ۲۸ بهمن ۱۳۸۹.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۹۱)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات آگاه.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (بدون تاریخ)، وزارت آموزش و پرورش.
- عزیزی، نعمت‌اله (۱۳۸۵)، درآمدی بر توسعه آموزش عالی در ایران باتأکید بر علوم انسانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی .
- عزیزی، نعمت اله و گوازی، آرش (۱۳۸۸)، ارزیابی کارآیی بیرونی آموزش و پرورش استان کردستان، گزارش پژوهشی ارائه‌شده به کارگروه پژوهش، آمار و فناوری اطلاعات معاونت برنامه‌ریزی استانداری کردستان.
- فیاض، ایراندخت و کریمی، مرضیه (۱۳۸۹)، بررسی مهارت‌های ارتباطی بین‌فردی در سیره معصومان، تربیت اسلامی، ۷ - ۲۸.
- قاسمیان، الهام (۱۳۹۴)، بررسی نقش آموزش‌های مهارتی بر میزان اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی با کمک تکنیک معادلات ساختاری، نشریه مهارت‌آموزی، بهار، شماره ۱۱.
- گودرزی، احمد و سالاری، ضیاءالدین (۱۳۸۹)، مقاله یادگیری ترکیبی رویکردی نوین در آموزش و توسعه کارآفرینی در سازمان‌ها، ارائه‌شده در اولین کنفرانس مدیریت و نوآوری شیراز.
- محمدی چمناری، حسین؛ نعمتی، محمدعلی و کرمی‌پور، مجتبی (۱۳۹۴)، رابطه مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و خوارزمی، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی.
- معافی، محمود (۱۳۸۸)، مبانی علمی آموزش آداب و مهارت‌های زندگی، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی

آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی.

نادری، عزت‌الله و سیف‌نراقی، مریم (۱۳۹۴)، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.

نصیری، فخرالسادات؛ ایزدی معز، شیرین؛ فلاحی، احمدحسین و شمخانی، اژدر (۱۳۹۰)، درونی‌کردن ارزش‌های اسلامی در میان دانش‌آموزان از دیدگاه مربیان تربیتی، نشریه مهندسی و فرهنگی، شماره ۵۷ و ۵۸، مهر و

آبان ۱۳۹۰، ۷۴ - ۸۵

نقشه جامع علمی کشور (۱۳۹۲)، شورای عالی انقلاب فرهنگی.

- Brumels K, Beach A.(2008). Professional role complexity and job satisfaction of collegiate certified athletic trainers. *J Athl Train.* 2008;43(4):373-378
- Goodman A, Mensch JM, Jay M, French KE, Mitchell MF, Fritz SL (2010). Retention and attrition factors for female certified athletic trainers in the National Collegiate Athletic Association Division I football bowl subdivision setting. *J Athl Train.* 2010; 45(3):287-298
- Lazare, D. (2005). Reading and Writing for Civic Literacy. *The Critical Citizen's Guide to Argumentative Rhetoric.*
- Mazerolle SM, Bruening JE, Casa DJ, Burton LJ (2008). Work-family conflict, part II: job and life satisfaction among in National Collegiate Athletic Association Division I-A certified athletic trainers. *J Athl Train.* 2008; 43(5):513-522
- Mazerolle SM, Gavin KE, Pitney WA, Casa DJ, Burton L.(2012). Undergraduate athletic training students' influences on career decisions after graduation. *J Athl Train.* 2012;47(6):679-693.
- Ngige Rosele Achieng (2010). Factors Affecting Acquisition of vocational skills among youth learners in maranda divition siaya county. University of Nairobi. September, 2012.
- Rusanovskiy, V., Blinova, T. & Bylina, S. (2014). Molodeznaya bezrabotisa v Rossii: mezregionalnye sopostavlenia [Youth Unemployment in Russia: Interregional Comparisons]. *Vestnik Saratovskogo Gosudarstvennogo Socialno-Economicheskogo Universiteta*, 5 (54), 29-35.
- Thanomwan Prasertcharoensuk, Kanok-lin Somprach, Tang koew Ngang.(2015). Influence of Teacher Competency Factors and Students Life Skills on Learing Achievement. *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 186 (2015)566-572.
- Sunshine B.Alos, Lawrece C. Caranto, Juan Jose T.David.(2015). Factors Affecting the Academic Performance of the Student Nurses BSU. *International Journal of Nursing Science* (2015).5(2):60-65.
- Witt, R. & Orvis, J. (2010). A Guide to Becoming a School of the Future. National Association of Independent Schools.

